

# ساختار اقتصاد روستا

ارتباط تورم شهر و روستا

قسمت دوم

ن. ابوالحسنی

اشاره:

در دومین قسمت مطلب «ارتباط تورم شهر و روستا»، «ساختار اقتصاد در روستا» مورد بحث قرار گرفته است. در این قسمت بحث شده چگونه روستا، که در گذشته ای نه چندان مرکز و مکان اصلی تولید و تمرکز جمعیت بوده، در اثر سیاستهای وابسته سازی طاغوت و برنامه های اصلاحات ارضی تخریب گردیده و اقتصاد پولی به درون آن پا گذاشته و عوارضی چون تأثیرات قیمت ها را با خود به داخل روستا می برد و...

## بخش سوم - ساختار اقتصاد روستا

روستا بعنوان اولین مرکز گردهمایی انسان ها، بیرق پیشتازی را در جمعیت انسانی بردوش دارد. حیات روستا وابسته به زمین و کشاورزی بوده، اقتصادش رابطه خویشی با این عناصر دارد. لذا سخن گفتن از روستا بدون توجه به آنچه بر بخش کشاورزی گذشته و می گذرد بیهوده است.

الف - بررسی وضعیت ارضی در روستاها  
در آغاز قرن حاضر، روستاها مکان اصلی تولید و استقرار جمعیت به حساب می آمدند و ۷۲ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده و ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی در این بخش ایجاد می گردید. شیوه ساخت اقتصاد روستا، در این دوره، اقتصادی بسته و خود مصرف بود و مازاد تولید روستایی جذب اقتصاد شهری می گردید. فئودال های ایران نیز همانند کشورهای جنوب شرقی آسیا، اکثراً خود ساکن شهرها بوده و اداره کارهایشان را مابشران برعهده داشتند. غیر از مالکین غایب، جمعیت ده متشکل از خرده مالکین و خوش نشینان می باشد و در کنار

کشاورزی، دامداری نیز مرسوم بوده است. روش تولید بر اساس بند و نسق بوده و محصولی که از هر نسق بدست می آمد بر اساس ۵ عامل تولید (آب، زمین، کار، بند، گاو) تقسیم می گشت و طرز تقسیم از ناحیه ای به ناحیه دیگر متفاوت بود. کشاورز نسبتی از سهم خود را بین کارگر کشاورزی و کدخدا تقسیم می کرد و سهم مباشر برعهده ارباب بود. روش دیگر که تاحدی عادلانه تر به نظر می رسید روش اجاره دادن زمین یا تلمبه کاری بود.

با وجود این رابطه بین مالک و زارع، طبیعی است که کشاورزی پویایی نداشته باشد؛ چون در نظام مزبور هیچ گونه امکانی برای بهبود زمین و سرمایه گذاری وجود نداشت، زارعین علاقه ای به این کار نداشتند و سعیشان در حفظ سطح معمولی زندگی شان بود. قدرت تولیدی کم و وسعت ناچیز زمین، فشار ارباب و نزول خواران سبب کم بودن درآمد سرانه زارعین می گردید. آمار بانک ملی ایران در سال ۱۳۴۰ درآمد سرانه زارعین را بین ۱۶۸۰ الی ۶۰۰۰ ریال در سال برآورد کرده بود.

اجرای برنامه اصلاحات ارضی که تحت فشارهای داخلی و خارجی عیدیه ای صورت گرفت، شیوه تولید سنتی (بند و نسق) را در روستا دگرگون نمود و اثرات مخربی بر اقتصاد روستا بجای گذاشت. بر طبق قانون هرمالک می توانست یک ده شش دانگ را برای خود نگه دارد و مزارع مکانیزه نیز از تقسیم معاف بودند. در نتیجه اراضی مرغوب عملاً تقسیم نگردید و مالکان با خرید یک تراکتور توانستند زمین های خود را از تقسیم معاف دارند، گروهی دیگر نیز اقدام به انتقال سند مالکیت بنام بستگان خود نمودند. زمین های حاصلخیز گرگان و ترکمن صحرا نیز بدون تقسیم، بدست افسران ارتش و افراد صاحب نفوذ افتاد.

مکانیزه کردن کشاورزی رابطه ارباب رعیتی را تبدیل به رابطه کارگر و کارفرما نمود و مالکان بزرگ در بهترین زمین ها با سرمایه کافی شروع به حفر چاه عمیق کردند و توانستند اعتبارات لازم را بدست آورند. منابع آب ده نیز در اثر از بین رفتن مدیریت و از هم پاشیده شدن نسق رو به خرابی

رفته و کاهش تولید را بدنبال آورد.

درعمل زمین های کم حاصل و فاقد امکانات میان کشاورزان تقسیم گردید و کارگران کشاورزی و خوش نشینان عملاً از دایره حذف گردیدند و امکان جذب آن ها بصورت کارگر فراهم آمد. نحوه باز پرداخت قیمت زمین های تقسیم شده در اقساط پانزده ساله مقرر گردید و بانک تعاون کشاورزی جهت کمک به باز پرداخت روستائیان تأسیس شد. اما در عمل بعلت مبلغ کم، وام ها صرف هزینه های مصرفی می گردید.

تبدیل روابط کشاورزی از بسند و نسق و گاو بند به رابطه کارگر و کارفرما منجر به افزایش نسبت اقتصاد پولی به اقتصاد معیشتی گردید و دهقانان نیز درعمل مجبور به کسب درآمد پولی و عرضه محصول خود به بازار شدند. در این مرحله کشاورزی بطور کامل به بازار وابسته شده و تنش های قیمت را می پذیرد.

بطور کلی برنامه اصلاحات ارضی دستوری سه کار عمده انجام داد: فنودالیته را در بعضی مناطق از میان برد، سرمایه را از بخش کشاورزی بسوی خدمات و صنعت سوق داد و با کوچاندن کشاورزان، نیروی کار لازم را برای بخش های مختلف شهر فراهم نمود و مناسبات سرمایه داری را بجای مناسبات فنودالیته پایه گذاری کرد. برنامه توسعه روستایی ایران که تحت فشارهای خارجی بعمل آمد نتوانست تغییر اساسی را در ساخت اقتصادی اجتماعی ده بوجود بیاورد و نفع مالکان غایب از ده و کشاورزان مرفه پایان گرفت و موقعیت ایشان را در ده تثبیت نمود و در عمل به افزایش نابرابری در میان روستائیان انجامید؛ که نتیجه عملی آن ایجاد دوگانگی در درون بافت اقتصاد روستا بود. زیرا گروهی با استفاده از وام و اعتبارات توانستند با ابزار و ماشین آلات مدرن به کشاورزی بپردازند و اکثریت کشاورزان مجبور به کار با تکنیک و ابزار عقب افتاده و نهاده های ناکافی کشاورزی بودند.

پس از انقلاب با فرار سرمایه داران و مالکین عمده، بسیاری از زمین ها بلا تکلیف ماند که بعضاً توسط روستائیان تصرف شده و در آن به کشت و زرع پرداخته شد. شرکت های سهامی زراعی نیز

● در آغاز قرن حاضر، روستاها مکان اصلی تولید و استقرار جمعیت به حساب می آمدند و ۷۲ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده و ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی در این بخش ایجاد میگردید. شیوه ساخت اقتصاد روستا، در این دوره، اقتصادی بسته و خود مصرف بود و مازاد تولید روستایی جذب اقتصاد شهری میگردید.

● تبدیل روابط کشاورزی از بند و نسق و گاو بند به رابط کارگر و کارفرما، منجر به افزایش نسبت اقتصاد پولی به اقتصاد معیشتی گردید؛ و دهقانان نیز درعمل مجبور به کسب درآمد پولی و عرضه محصول خود به بازار شدند.

در این مرحله کشاورزی بطور کامل به بازار وابسته شده، تنش های قسمت را می پذیرد.



منحل و زمین ها بطریق خرده مالکی کشت گردید و برای اقتصادی تر شدن کشت واحدهای مشاع ایجاد گردید.

آخرین تحولی که در امر زمین داری بوجود آمد، اجرای مصوبه شورای انقلاب اسلامی ایران بود که در شهریور سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید. برطبق این قانون، بهره برداری از زمین های دایره به هر صورتی که باشد ادامه می یابد و فقط در آینده وزارت کشاورزی با اجازه حاکم شرع و وضع قانون نسبت به محدود کردن مساحت قابل تصرف هر فرد اقدام نماید و حداکثر آن را تعیین کند. در این طرح زمینهای دایره افراد در صورتیکه طی ۳ سال متوالی بدون عذر موجه بلا استفاده رها شود مشمول احکام زمین های بایر خواهد بود. طرح مزبور در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. آنچه در این قانون باعث تغییر و تحول در امر بهره برداری زمین می شود، استفاده از زمین های بایر و واگذاری آن به داوطلبین است که خود بخود عمل مثبتی است و موجب زیرکشت رفتن اراضی زیادی گردیده است، اما عدم تصویب بند «ج» و «د» که قادر بود مسایل زیادی را حل کند معوق ماند.

ب- بررسی تحولات اقتصادی بخش کشاورزی برای بررسی بیشتر وضعیت روستاها به جهت آنکه کشاورزی شغل اصلی روستائیان می باشد،

بررسی ارزش افزوده بخش کشاورزی برای تعیین جایگاه آن در اقتصاد کشور ضروری بنظر می رسد. همانطور که در جدول (۱) ملاحظه می گردد، ارزش افزوده بخش کشاورزی روندی افزایشی را نشان می دهد؛ اما سهم آن در تولید ناخالص داخلی کشور از ۲۴/۳۶ درصد در سال ۳۸ به ۸/۷۴ درصد در سال ۵۶ رسیده است. روند کاهنده سهم این بخش در طول برنامه عمرانی دوم و چهارم با اجرای برنامه اصلاحات ارضی و رشد یکباره بخش نفت ادامه می یابد. با توجه رژیم به بخش های نسبتاً مترقی اقتصاد مانند: نفت و صنعت و پرداختن به سایر بخش ها، بخصوص بخش های سنتی موجب شد که این اختلاف رشد بوجود آید.

با توجه به آنکه حدود نیمی از جمعیت کشور در روستاها ساکن هستند این موضوع مبین سهم کم آن ها در اقتصاد کشور و فقر روستائیان می باشد.

سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت نیز از ۴۰ درصد در سال ۳۸ به ۱۳/۷ درصد در سال ۵۶ می رسد و بدین ترتیب مشاهده میشود که تنها درآمد فزاینده بخش نفت عامل کاهنده سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی نبوده، بلکه می توان آن را پی آمد جریان های توسعه وابسته گرا و سیاست های تخریب کشاورزی دانست.

جدول (۱) ارزش افزوده بخش کشاورزی و سهم آن در تولید ناخالص داخلی

سال	ارزش افزوده بخش کشاورزی میلیارد ریال	سهم ارزش افزوده کشاورزی در تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل	سهم ارزش افزوده کشاورزی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت
۳۸	۱۶۲/-	۲۴/۳۶	۴۰/۳۶
۴۰	۱۶۷/۳	۲۱/۰۵	۳۷/۱۴
۴۵	۱۸۸/۶	۱۵/۴۵	۲۹/۹۴
۵۰	۲۳۳/۱	۱۰/۷۷	۲۳/۵۷
۵۵	۳۲۶/۱	۸/۹۱	۱۴/۳۳
۵۶	۳۲۷/۳	۸/۷۴	۱۳/۷۵
۵۸	۳۵۰/	۱۱/۲	۱۵/۲۱
۵۹	۳۶۰/	۱۳/۸۴	۱۶/۳۶
۶۰	۴۰۰	۱۵/۳۸	۱۶/۶۶
۶۱	۴۴۰	۱۴/۶۶	۱۷/۶
۶۲	۴۳۰	۱۲/۶۴	۱۴/۸۲

بررسی ارزش افزوده کشاورزی براساس زیر بخش های آن نشان می دهد که همواره بیشترین درصد را از کل ارزش افزوده در این بخش زراعت بخود اختصاص می دهد و پس از آن دامپروری قرار دارد. سیاست هایی نظیر اصلاحات ارضی نیز همین دو بخش را هدف خود قرار داده بود. زیر بخش های جنگلداری و ماهیگیری نیز درصد کمی ارزش افزوده داشته و دارد، درحالیکه امکان رشد بالقوه آن زیاد است. (جدول ۲)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت تا سال ۶۱ روبه افزایش است و در سال ۶۲ مجدداً کاهش می یابد. بررسی سهم اعتبارات بخش روستایی پس از انقلاب نشان می دهد که این اعتبارات هنوز درصد کمی از کل اعتبارات بوده. و به میزان نا کافی توزیع می گردد و تغییری اساسی در ساخت کشاورزی صورت نگرفته است.

جدول (۲)

درصد سهم زیربخش های کشاورزی در ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳

بخش	سال	۳۸	۴۵	۵۰	۵۵	۶۰	۶۲
زراعت		۵۷/۹	۵۹/۰	۴۱/۶۷	۵۲/۹۲	۵۷/۵	۵۵/۸
دامپروری		۴۰/۶	۳۹/۱۸	۲۸/۰	۴۱/۴	۳۹/۶	۴۰/۶
جنگلداری		۱/۰۴	۱/۱۶	۰/۹	۲/۸	۲/۳۵	۲/۶
ماهیگیری		۰/۳	۰/۶	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۷
جمع		۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-

منبع: ترازنامه های بانک مرکزی ایران در سال های مختلف



طبق آمارگیری که در سال ۵۰ یعنی در پایان برنامه اصلاحات ارضی و تثبیت نظام جدید روستاها انجام شد، ۷۲ درصد از خانوارهای نمونه روستایی در بخش کشاورزی بکار اشتغال داشتند و پس از آن فعالیتهای ساختمانی با ۵/۶ درصد و صنایع ۴/۱ درصد، بانک و بیمه ۳/۸ درصد و خدمات ۳/۵ درصد و بقیه با درصدهای کمتری قرار دارند.

اما طبق آمارها، هزینه سرانه خانوارهایی که رؤسای آن‌ها در بخش خدمات بکار مشغول بوده‌اند بیش از ۱/۳ برابر هزینه سرانه خانوارهای شاغل در بخش کشاورزی و ۱/۲ برابر هزینه سرانه در صنایع و مساوی هزینه سرانه فعالیتهای تجاری و بانک و بیمه و حمل و نقل و انبارداری بوده است. ارقام فوق حاکیست که گروه کشاورزان در روستا، از وضعیت مالی بدتری نسبت به سایر شاغلین برداشته‌اند. ترکیب هزینه‌های خوراکی و دخانی بر حسب بخش‌های اقتصاد نشان می‌دهد، خانوارهایی که رؤسای آن در بخش: تجارت، بانک و بیمه، خدمات، انبارداری، برق و گاز و آب، خدمات بهداشتی اشتغال دارند، سهم بیشتری از هزینه‌های خوراکی و دخانی خود را به گوشت و میوه و سبزی اختصاص داده‌اند. در حالیکه در بخش: کشاورزی، صنایع، ساختمان سهم هزینه‌های مربوط به مواد نشاسته‌ای بیشتر است.

● مطالعه سهم گروههای مختلف درآمدی در مناطق روستایی، افزایش نابرابری در توزیع درآمدها را نشان میدهد. سهم ۴۰ درصد پائین درآمدی در این مناطق، از ۱۶/۹ درصد سال ۴۶ به ۱۳/۵ درصد در سال ۵۶ و سپس به ۱۲ درصد در سال ۵۸ کاهش یافته است؛ در حالیکه سهم ۲۰ درصد بالای درآمدی از ۴۶/۶ درصد در سال ۴۶ به ۵۶ درصد در سال ۵۸ رسیده بود. این امر نتیجه تثبیت وضعیت اقتصادی گروه مالکین بزرگ پس از اصلاحات ارضی و کاهش درآمد گروههای مستضعف و از عوامل عمده مهاجرت می‌باشد.

توزیع هزینه‌های غیر خوراکی نشان می‌دهد که بطور کلی خانوارهایی که رؤسای آن‌ها در بخش: خدمات، تجارت، بانک و بیمه، برق، گاز و آب و خدمات بهداشتی، حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری کار می‌کرده‌اند، از وضع مالی بهتری نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار بوده‌اند و ترکیب بهتری از نظر تخصیص هزینه‌ها دارند. بطور مثال در بخش حمل و نقل و ارتباطات و انبارداری یک خانوار روستائی ۵۶/۱ درصد از کل هزینه خود را صرف مواد خوراکی و دخانی و ۴۳/۹ درصد را

صرف مواد غیر خوراکی می‌نماید، در حالیکه در بخش کشاورزی درصدهای مزبور به ترتیب ۶۵ و ۳۵ می‌باشد.

درواقع در جامعه روستایی آنهاییکه به فعالیتهای جدید روی آورده‌اند، رفاه مادی بیشتری نسبت به سایر خانواده‌ها داشته‌اند. در نتیجه گرایش بسوی الگوی مصرف شهری در آن‌ها بیشتر نمایان شده، در حالیکه فعالیت غالب در جامعه روستایی ایران، کشاورزی بوده و بالطبع مصرف آنها نیز تا حدودی تابع نوع فعالیت و شغل آنها می‌باشد و نحوه سنتی خود را از دست نداده است. بررسی وضعیت ترکیب هزینه‌های خانوار بر حسب شغل رئیس خانوار نشان می‌دهد که این موقعیت نابرابر اجتماعی همچنان حفظ شده است. مطالعه شاخص نابرابری روند توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران نیز، نمایشگر افزایش شدید نابرابری در توزیع درآمدها در این مناطق است. ضریب تمرکز درآمدی (ضریب جمعیتی) طی سالهای ۵۸-۴۶ از سطح ۰/۴۰۱۴ در سال ۴۶ به سطح نسبتاً بالای ۰/۴۶۵۱ در سال ۵۷ و سپس به سطح فوق‌العاده بالای ۰/۵۰۲۶ در سال ۵۸ رسیده است. مطالعه سهم گروه‌های مختلف درآمدی نیز در این مناطق افزایش نابرابری در توزیع درآمدها را نشان می‌دهد. سهم ۴۰ درصد پائین درآمدی در مناطق روستایی ایران از ۱۶/۹ درصد در سال ۴۶ به ۱۳/۵ درصد در سال ۵۷ و سپس به ۱۲/۰ درصد در سال ۵۸ کاهش یافته است در حالیکه

جدول (۳)

ترکیب هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی خانوار روستایی بر حسب فعالیت‌های عمده رئیس خانوار سال ۱۳۵۰

کشاورزی	استخراج و معدن	صنایع	ساختمان	برق-گاز-آب-بهداشت	تجارت و بانک	حمل و نقل و ارتباطات	خدمات	نامشخص
۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-	۱۰۰/-
۶۴/۹	۶۷/۲	۶۱/۲	۶۲/۹	۵۸/۵	۵۸/۵	۵۶/۱	۶۰/-	۶۶/۴
۳۵/۱	۳۳/۸	۳۸/۸	۳۷/۱	۴۱/۵	۴۱/۵	۴۳/۹	۴۰/-	۳۳/۶

ماخذ: مرکز آمار ایران

جدول ۴ - سهم دهک‌ها در توزیع درآمد روستایی

توزیع			گروه‌های دهگانه
۵۸	۵۶	۴۶	
۵۶/۰	۵۴/۰	۴۶/۴	سهم ۲۰ درصد بالای درآمدی
۳۲/۰	۳۲/۵	۳۶/۷	سهم ۴۰ درصد وسط درآمدی
۱۲/۰	۱۳/۵	۱۶/۹	سهم ۴۰ درصد پائین درآمدی

سهم ۲۰ درصد بالای درآمدی از ۴۶/۶ در سال ۴۶ به ۵۴/۰ و ۵۶ درصد در سال ۵۶ و ۵۸ رسیده بود و گروه‌های بالای درآمدی طی دوره مورد بررسی سهم بیشتری از کل درآمدها را بخود اختصاص داده‌اند. این امر نتیجه تثبیت وضعیت اقتصادی گروه مالکین بزرگ پس از اصلاحات ارضی و کاهش درآمد گروه‌های مستضعف ده و از عوامل عمده مهاجرت می‌باشد. (جدول ۴).

این روند از سال ۶۱ مجدداً به نفع درآمد مشاغل کشاورزی تغییر جهت می‌دهد ولی در سال ۶۲ مجدداً به حالت قبل بازمی‌گردد و در حال نوسان است.

لذا موقعیت بخش کشاورزی و روستایی در توسعه اقتصادی ایران در حال تضعیف بوده و پس از انقلاب نیز با وجود کوشش‌های انجام شده، هنوز هم اثرات تخریب اقتصادی سال‌های قبل باقی است و به همین دلیل روستا قادر به تحمل فشارهای تورمی که از شهر به آن سرایت می‌کند نخواهد بود.

بررسی درآمد سالانه خانوار روستایی برحسب انواع درآمدها نشان می‌دهد که، درآمد روستائیان از مشاغل کشاورزی در سال ۵۳ بیشترین جزء درآمد خانوار را تشکیل می‌دهد ولی از این سال به بعد با بروز تورم، درآمد مشاغل کشاورزی رشد کمی یافته و درآمد آن‌ها از مشاغل مزد و حقوق‌بگیری از آن پیشی می‌گیرد و درجه اول اهمیت واقع می‌شود.

این تغییر نشانه آن است که کشاورزی برای دهقانان درآمد مکفی ندارد و آنها مجبور به کار در سایر فعالیت‌های روستا و یا روزمزدی شده‌اند.

● سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت، از ۴۰ درصد در سال ۳۸، به ۱۳/۷ درصد در سال ۵۶ می‌رسد. بدین ترتیب مشاهده میشود که تنها، درآمد فزاینده بخش نفت، عامل کاهش سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی نبوده، بلکه میتوان آنرا پی‌آمد جریانهای توسعه وابسته‌گرا و سیاستهای تخریب کشاورزی دانست.

● بررسی سهم اعتبارات بخش روستایی پس از انقلاب، نشان میدهد که این اعتبارات هنوز درصد کمی از کل اعتبارات بوده و به میزان کافی توزیع نمی‌گردد و تغییری اساسی در ساخت کشاورزی صورت نگرفته است.

● طبق آمارها، هزینه سرانه خانوارهایی که رؤسای آنها در بخش خدمات بکار مشغول بوده‌اند بیش از ۱/۳ برابر هزینه سرانه خانوارهای شاغل در بخش کشاورزی بوده است و این ارقام حاکیست که گروه کشاورزی در روستا، از وضعیت مالی بدتری نسبت به سایر شاغلین برخوردار است... در واقع در جامعه روستایی آنهاییکه به فعالیت جدید روی آورده‌اند، رفاه مادی بیشتری نسبت به سایر خانواده‌ها داشته‌اند. در نتیجه گرایش به سوی الگوی مصرف شهری در آنها بیشتر نمایان شده است.

جدول (۵) متوسط درآمد سالانه خانوار روستایی برحسب انواع درآمد در سال ۶۲ - ۵۳ (هزار ریال)

سال	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۶۱	۶۲
جمع	۸۸	۱۱۲	۱۲۱	۱۶۶	۱۹۲	۲۱۳	۳۹۲	۳۲۹
درآمد اعضاء شاغل خانوار	۵۳	۷۰	۷۹	۱۳۶	۱۶۶	۱۷۶	۳۲۷	۳۱۸
درآمد از شاغل مزد و حقوق‌بگیر	۱۵	۲۸	۳۴	۵۴	۷۹	۷۹	۱۱۰	۱۳۹
درآمد از شاغل کشاورزی	۲۷	۳۲	۳۱	۶۳	۶۲	۷۳	۱۶۲	۱۱۷
درآمد از شاغل آزاد غیر کشاورزی	۱۱	۹	۱۴	۱۹	۲۴	۲۵	۵۴	۶۲
درآمد متفرقه	۳۵	۴۲	۴۱	۳۰	۲۶	۳۷	۶۵	۱۱
درآمد پولی	۶	۸	۸	۶	۳	۶	۹	۱۱
درآمد غیر پولی	۲۹	۳۳	۳۳	۲۴	۲۳	۳۱	۵۶	۵۰ م